

موضوع جلسه دوم و سوم: مجرای اصول عملیه

مرحوم شیخ برای بیان مجاری اصول عملیه دو عبارت می‌آورند. سرّ مطلب آنست که عبارت اوّل ایشان مبتلا به اشکال است. البته بیان سومی هم در ابتدای برائت دارند که فعلا بیان نمی‌کنیم.

بیان اوّل شیخ در مجرای اصول عملیه:

بطور کلی هنگامی که مکلف در حکمی از احکام و یا موضوعی از موضوعات احکام شرعیه دچار شك می‌شود از دو حال خارج نیست:

1- یا در این شك، حالت سابقه ملاحظه می‌شود و شرع مقدس با عنایت به حالت سابقه دستور العملی را صادر می‌کند.

2- و یا حالت سابقه مدّ نظر شارع نیست (خواه حالت سابقه داشته باشد ولی ملاحظه نشود و خواه اصلا حالت سابقه نداشته باشد).

قسم اوّل مجرای اصالة الاستصحاب است. (چه احتیاط ممکن باشد یا نباشد و چه شك در تکلیف باشد یا در مكلف به)

و اما قسم دوّم خودش دارای دو قسم است:

1- یا اینست که در این شك، احتیاط ممکن است.

2- و یا احتیاط ممکن نیست،

آنجا که احتیاط ممکن نباشد مجرای اصالة التخییر است (خواه شك در اصل تکلیف باشد و خواه شك در مكلف به با علم به اصل الزام)

اما در قسم اوّل که احتیاط ممکن باشد باز دو قسم است:

1- یا شك در اصل تکلیف است یعنی اصل الزام برای ما مشكوك است.

2 - و یا شك در مكلف به است یعنی علم اجمالی به اصل تکلیف داریم.

ولی متعلق این تکلیف برای ما مشكوك است که آیا این امر است یا آن امر؟

قسم اوّل مجرای اصالة البراءة است.

قسم دوّم مجرای اصالة الاحتیاط است.

اشکال این بیان:

طبق این بیان هرکجا احتیاط ممکن نباشد مجرای اصالة التخییر است چه شك در اصل تکلیف باشد و یا شك در مكلف به درحالی که در موارد زیادی احتیاط ممکن نیست ولی مع ذلك مجرای اصل تخییر هم نیست بلکه جای اصل برائت است از قبیل مثالهای ذیل:

الف: دوران امر بین الوجوب و الحرمة و الاباحه.

ب: دوران امر بین الوجوب و الحرمة و الاستحباب.

ج: دوران امر بین الوجوب و الحرمة و الكراهة.

د: دوران امر بین الوجوب و الحرمة و الاباحة و الاستحباب. و موارد دیگر

بیان دوّم شیخ در مجرای اصول عملیه:

1- گاهی در باب شك حالت سابقه مشکوک ملاحظه می‌شود -در اینجا استصحاب جاری می‌شود.

2- و گاهی حالت سابقه ملاحظه نمی‌شود

در این فرض هم گاهی

شك در اصل تکلیف که مجرای اصالة البراءة است

و گاهی شك در مکلف به است با علم اجمالی به جنس الالتزام و یا نوع الزام در این فرض هم

گاهی احتیاط ممکن نیست مثل دوران میان وجوب و حرمت دفن میت منافق چنین موردی مجرای اصالة التخییر است و گاهی احتیاط ممکن است مثل دوران میان قصر و اتمام و ... اینجا مجرای اصالة الاحتیاط است.

در خاتمه این مقدّمه مرحوم شیخ می‌فرماید: مباحث این کتاب در سه مقصد و يك خاتمه خلاصه می‌شود:

1- المقصد الأوّل فی القطع.

2- المقصد الثانی فی الظن.

3- المقصد الثالث فی الشك.

و اما الخاتمه درباره تعادل و تراجیح بحث می‌کند که میان فقهاء مرسوم و متعارف آنست که این مبحث را در خاتمه مباحث اصولی ذکر می‌کنند